

نگاهی کوتاه به تاریخ قتل عام ارمنیان توسط حکومت ترکیه

۱. گرمایک

سخن آغاز

قوم ارمن به منظور رسیدن به آزادی ملی-اجتماعی و سیاسی و در مبارزه با ظلم و ستم و به هدف حفظ هویت فرهنگی خود راه پرفراز و نشیبی پیموده است. دوران جنگ جهانی اول مملو از درد و غم و سالیانی سیاه چه در تاریخ این قوم و چه در تاریخ بشریت بود. متأسفانه گاهی افرادی از گروه عظیمی از ایرانیان میهن دوست آذری به اشتباه خود را «ترک» و زبانشان را به نادرستی «ترکی» قلمداد می کنند، اینان جزو ایرانیان شریف و متمدنی هستند که هیچ نسبتی با ترک عثمانی ندارند و در این مقال نگارنده هنگامی که لفظ «ترک» را به کار می برد منظور همان ترکان ترکیه عثمانی است. در این مقاله به بررسی کوتاه موارد زیر می پردازیم:

- ۱- ارمنیان کیستند؟
- ۲- ترکان کیستند؟
- ۳- نقش ارمنیان در ترکیه عثمانی.
- ۴- شمه ای از تاریخ کشتارهای ارمنیان.
- ۵- قتل عام.
- ۶- انگیزه های قتل عام و عاملین آن.
- ۷- شمه ای از تاریخ انتقام جویی ارمنیان.
- ۸- روند شناسایی رسمی نژادکشی ارمنیان از سوی کشور های جهان
- ۹- سخن پایان.

۱- ارمنیان کیستند؟

نگاهی به گذشته قوم ارمن

منشاء و تاریخ: ارمنیان از نظر انسانشناسی به تیره آرمنوئید از نژاد اوراسیائی (اوروپئوئید) وابسته اند. آنان جزء اقوام هند و اروپائی بشمار می روند اما در مورد زیستگاه اصلی اینان بین دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی معتقدند که موطنشان در مرکز و یا جنوب شرقی اروپا قرار داشته، گروهی دیگر آنها را در آسیا در حوالی دریاچه آرال می دانند لیکن نتیجه بررسی های اخیر پژوهشگران نظرات فوق را رد می کند. برپایه پژوهش های آنان زیستگاه ارمنیان در فلات ارمنستان یعنی در ناحیه ای واقع در شمال میانرودان (بین النهرین)، شرق آسیای صغیر و شمال غرب فلات ایران قرار دارد. بدین سان بر پایه هر یک از نظرات در مورد منشاء ارمنیان نیز دیدگاه های متفاوت وجود دارد. دیدگاه نخست چنین است که این قوم در اثر ادغام تدریجی اقوام مهاجر هند و اروپایی (قوم آرمین) با اقوام بومی قدیمی تر ساکن در فلات ارمنستان مانند خوریان، لویان و هایاسا بوجود آمده است. بر پایه دیدگاه دیگر ارمنیان از آغاز در موطن اصلی خود فلات ارمنستان می زیسته اند لیکن از ادغام اقوام گوناگون پدید آمده اند. در دوران نوسنگی (نئولیت) اقوامی که به زبان های

خانواده هند و اروپائی سخن می‌گفتند به شاخه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند. بر پایه بررسی‌های انسانشناسی از این دوره فلات ارمنستان توسط اقوام متعلق به نژاد آرمونئید مسکون گردید که وارث آنان ارمنیان امروز هستند از دوران نئولیت تا انتولیت بخشی از اقوام هند و اروپائی از فلات ارمنستان و آسیای صغیر به سوی اروپا، آسیای میانه و هند کوچ نمودند و بخشی دیگر (از جمله هتیان، ارمنیان، یونانیان و ایرانیان) در زیستگاه اصلی باقی ماندند. برای بومی بودن ارمنیان دلایل و شواهد بسیار موجود است. بر پایه پژوهش‌های ن. واویلوف و دیگر دانشمندان محل باستانی کاربرد وسایل و کشفیات مربوط به پرورش جانوران اهلی و کشاورزی (نوع ویژه غلات و انگور، سنگ‌های پر ارزش، مس، قلع، آهن و غیره) همانا فلات ارمنستان بوده است. ارمنیان از معادن مس و قلع تا عصر برونز (هزارهای دوم و سوم پ.م.) استفاده بسیار کردند. بنظر آلکوت در هزاره سوم پیش از میلاد اندیشه ۱۲ صورت فلکی و نام‌های آنها و نیز گاهشماری خورشیدی در فلات ارمنستان و آسیای صغیر بوجود آمده است. در مورد پیدایش و نام ارمنیان مطالبی در روایات وجود دارد که از واقعیت‌های تاریخی دور نیست. بر پایه افسانه نقل شده توسط موسس خورناتسی (Moses Khorenatsi) یا موسی خورنی تاریخ‌نگار سده پنجم م.) ملت ارمنی بخاطر نام هایک سردودمان ارمنیان خود را «های» (hay) می‌نامد اما نامی که دیگر اقوام بر ایشان بکار می‌برند یعنی «آرمن» یا «آرمن» از نام آرام یکی از اخلاف هایک اخذ گردیده است. فورس، غاپانسیان، یرمیان و دیگر دانشمندان نام‌های (خای) را به سرزمین مشتمل بر استان‌های هایک علیا و هایک کوچک منتسب می‌کنند که در سنگ‌نبشته‌های هتی بصورت هایاسا (hayasa) یا خایاشا آمده است. در اواخر هزاره دوم و آغاز هزاره نخست پیش از میلاد اقوام ساکن در فلات ارمنستان که در سنگ‌نبشته‌های میخی با نام‌های گوناگون از آنان یاد می‌شود، بصورت اتحادیه‌های حکومتی-سیاسی در می‌آیند. ارمنستان بصورت یک ملت بویژه در زمان حکومت ارمنستان یا آرمینیا (سده‌های نهم تا ششم پ.م.) که در زبانهای آرامی اورارتو نامیده می‌شد تشکل و اتحاد استوارتری یافت. در سایه این حکومت متحد اقوام گوناگون ارمنی به اتحاد ارضی-سیاسی مستحکمی دست یافتند. در اواخر سده هفتم و در سده ششم پ.م. در منابع گوناگون (کتاب عهد عتیق، سنگ‌نبشته‌های هخامنشی، آثار نویسندگان یونان باستان) فلات ارمنستان بصورت یک کشور یکپارچه یاد می‌گردد. در سنگ‌نبشته‌های سه‌زبانه پادشاهان هخامنشی ارمنستان در متن اکدی بصورت اوراشتو (اورارتو) در پارسی باستان بصورت آرمینیا، در زبان ایلامی بصورت هارمینویا یا خارمینویا اما ارمنیان در اکدی اوراشتایا، در پارسی آرمینیا، در ایلامی هارمینویارا (خارمینویارا) یاد می‌شوند. در کتاب **نقشه جهان** اثر نویسنده **یونانی هکاتیوس میلیتی** در سده ششم پ.م. از کشور آرمینیا و ملت آرمن یاد می‌گردد. در زمان حکومت یرواندونی یا یرواندیان (سده هفتم یا چهارم پ.م.) روند تشکل ملت ارمنی به مرحله پایانی خود رسید. پس از لشکرکشی اسکندر مقدونی و پایه‌گذاری حکومت سلوکی، آرتاشس اول (artashes) پادشاه ارمنستان بر آنان شورید و پادشاهی هایک بزرگ را بنیان نهاد (۱۸۹ پ.م.) که در زمان تیگران دوم ملقب به تیگران کبیر (۹۵-۵۵ پ.م.) به اوج قدرت خود رسید.

در زمان حکومت آرشاگونی یا اشکانیان ارمنی (سده‌های ۱-۵ م.) تحولات جدیدی بوقوع پیوست. بسال ۳۰۱ ارمنیان مسیحیت را بعنوان دین رسمی حکومت خود پذیرفتند. در این هنگام جمعیت آنان به ۴ میلیون نفر بالغ می‌گردید و وسعت هایک بزرگ به ۳۱۲ هزار کیلومتر مربع می‌رسید پس از فروپاشی پادشاهی آرشاگونی (۴۲۸ م.) ارمنیان با مبارزات آزادیبخش خود در برابر ساسانیان، بیزانس و آنگاه حکومت تازیان توانستند هویت ملی و معنوی-فرهنگی خود را نگهدارند. در ۴۰۵ م. الفبای جدید ارمنی اختراع شده باعث استواری هر چه بیشتر فرهنگی و معنوی گردید که

در شرایط غیبت حکومت ملی توانست در یکپارچگی آنان سهمی بگذارد. پس از پیکارها و شورش های بی امان آزادیبخش مردم در برابر چیرگی خارجیان حکومت متحد ارمنیان بسال ۸۸۵ بدست دودمان باگراتونی بنیان نهاده شده تا سال ۱۰۴۵م. دوام یافت پس از چندی حکومت های دیگری نیز تأسیس یافت مانند حکومت آرزرونی (ardseruni) که بسال ۱۰۲۱ بدست بیزانس منقرض گردید. در اثر ستم های حکومت های بیزانس، عرب و سپس در اثر تاخت و تازهای ترکان سلجوقی ارمنیان بسیاری از سرزمین خود کوچ نموده به کشورهای دیگر رفتند. یکی از مهمترین آنها کیلیکیه در کنار دریای مدیترانه بود و اراضی آن توسط معاوضه با اراضی ارمنستان اصلی به مالکیت شاهزادگان و فئودال های خائن در آمد و بسال ۱۰۸۰م. در آنجا آنان توانستند حکومتی مستقل تأسیس نمایند که به حکومت ارمنی کیلیکیه و ارمنستان کیلیکیه شهرت یافت. مهاجرت ارمنیان و رکود اقتصادی و فرهنگی آنان در زمان لشکر کشی های تاتار و مغول و چیرگی ترکان و ایرانیان ادامه یافت. روسیه تزاری بسال ۱۸۲۸ م. ارمنستان شرقی را بتصرف خود در آورد بدین سان ارمنیان در زیر سه حکومت روسیه، ترکیه و ایران قرار گرفتند. حکومت سلطان عثمانی ترکیه با سیاست ضد ارمنی خود دست به کشتارهای توده ای در ارمنستان غربی زده (بویژه از سال ۱۸۶۰ به بعد) در سالهای ۶-۱۸۹۴ بیش از ۳۰۰ هزار نفر را قتل عام کرد. مبارزه با ارمنیان در رهایی از یوغ حکومت ترکیه و مسئله ارمنی در محافل حکومتی و سیاسی اروپا مطرح شده اینان گهگاه در اثر ضرورت از این مسئله بعنوان حربه ای در برابر سلطان ترک استفاده نمودند. در سال ۱۹۱۵ حکومت ترکان جوان دست به نخستین قتل عام سده بیستم زده بیش از ۱/۵ میلیون ارمنی را در ارمنستان غربی به کام نیستی فرستاد. از آن دسته از ارمنیان که توانستند حدود ۳۰۰ هزار نفر به ارمنستان شرقی و سایر نواحی قفقاز و روسیه پناهنده شدند و هزاران نفر دیگر به کشورهای عربی، اروپا، آمریکا و ایران پناه آوردند. قابل ذکر است که نویسنده بزرگ ایران **جمالزاده** هنگام عبور از ترکیه شاهد این کشتار بوده است. در اثر مبارزات ارمنیان آنان موفق شدند پس از چند جنگ حماسه آفرین در سردارآباد و قره کلیسا بسال ۱۹۱۸ پس از پنج سده حکومت خود را احیاء نمایند. در مدت حدود دو سال (۲۰-۱۹۱۸) جمهوری مستقل ارمنستان در بخش کوچکی از ارمنستان (کمتر از یک دهم) باستان تأسیس شد و از سال ۱۹۲۰ حکومت سوسیالیستی جانشین آن گردید. در سایه آرامش و صلح بازسازی ملی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی آغاز شد و حکومت ارمنستان شوروی برای کمک به ارمنیان پراکنده در سایر کشورها دست به اقداماتی زد و تسهیلاتی برای آنان جهت بازگشت به میهن قائل شد. ارمنیان در طول جنگ جهانی دوم در اکثر کشورهای درگیر همگام با سایر ملل در برابر نازیان و متحدانشان مبارزه نمودند. پس از جنگ روند مهاجرت آنان به ارمنستان شدت گرفت. آنان در خارج از ارمنستان دارای دهها انجمن و اتحادیه و تشکیلات مذهبی هستند که امور فرهنگی، ملی، مذهبی شان را هدایت و اداره می کنند. جمهوری سوم ارمنستان (جمهوری مستقل) در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام گردید که تا کنون پا بر جا است.

ارمنستان

زندگی تاریخی ارمنیان در سرزمینی جریان یافته است که در جغرافیا بنام سرزمین کوهستانی ارمنستان یا فلات ارمنستان معروف است که ارمنستان امروزی در شمال شرقی آن واقع است. فلات بین ۳۷°۳۰' تا ۴۱°۱۵' عرض شمالی و ۳۸ تا ۴۷ درجه طول شرقی محدود بوده بین فلات های آسیای صغیر و ایران و در شمال غربی آسیای مقدم قرار گرفته است. ارتفاع آن ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریاست. کوه های مهم آن آارات بزرگ (۵۱۵۶متر) آارات کوچک

(۳۹۱۴متر)، آراکاتس (۴۰۹۵متر)، سیپان (۴۴۳۴متر). رودهای مهم: آراکس (ارس)، آخوریان، آرپا. رودهای دجله و فرات از کوههای ارمنستان سرچشمه می‌گیرند. دشت‌های آرات، شیراک، تارون، خاربرد، ارزینجان، باگرواند همواره از نظر اقتصادی اهمیت خاصی داشته‌اند. وان (۳۷۳۳ کیلومتر مربع)، با ماهی‌تارخ (tarekh) سوان (۱۴۰۰ کیلومتر مربع) با ماهی‌خاص ایشخان، دریاچه ارومیه (در قدیم کاپوتان یا کیودان) بین فلات‌های ایران و ارمنستان دریاچه‌های بزرگ فلات ارمنستان محسوب می‌شوند. دنیای جانوران فلات شامل گوزن، آهو، گوسفند وحشی، گراز، گرگ، روباه، خرس، کفتار، عقاب، کرکس، باز، لک‌لک، کبک، اردک، بلدرچین، قرقاول و غیره است. از نظر معادن زیر زمینی مس، سنگ آهن، سرب، نقره، طلا، مولیبدن، پرلیت، مرممر، سنگ‌های گوناگون مانند نوع خاصی توف، بازالت، سنگ آهک و غیره قابل ذکر هستند. آب‌های معدنی با خواص شفا بخش خود بوفور در آنجا یافت می‌شوند. ارمنستان قدیم به ۱۵ استان تقسیم شده بود که عبارتند از: آیرارات، واسپوراکان (وان فعلی)، سیونیک، آرتساخ (قره باغ فعلی)، گوگارک، هایک علیا، تورویران، آغزینیک، سوفن (یاسوپک)، تایک، پارسکاهایک، کُرچک، موک، پایتاکاران (جمهوری آذربایجان فعلی)، اوتی.

فرهنگ ارمنی

فرهنگ ارمنی طیف گسترده‌ای دارد که به اختصار در زیر بیان می‌گردد.
خط ارمنی: در مورد وجود خط ارمنی پیش از الفبای فعلی اطلاعات دقیقی در دست نیست. گروهی از دانشمندان معتقدند که ارمنیان در زمان باستان خط منحصر بفرد خود را داشتند. گروهی نیز مخالف این نظریه هستند. خط فعلی در سال ۴۰۵م. بوسیله مسروپ ماشوتس (mesrob mashtots) ابداع شده است. پیش از آن مکاتبات درباری بزبانهای یونانی، آشوری و پارسی صورت می‌گرفت. نیاز شدید و نیز حمایت پادشاه ورامشابه و جاثلیق ساهاک پارتو (sahak partev) ماشوتس را تشویق به این کار نمود. الفبای ابداعی ۳۶ حرف داشت که حروف ا و ف (o و f) در آن کم بود. این دو نیز در سده‌های میانه اضافه گردیده تعداد حروف به ۳۸ رسید. حروف ارمنی مانند الفبای عربی دارای ارزش عددی است. با اضافه شدن یک حرف مرکب دیگر الفبای ارمنی شامل ۳۹ حرف است. این حروف همانند حروف الفبای لاتین دارای اشکال بزرگ و کوچک بوده از چپ به راست نوشته می‌شوند. روش نگارش ارمنی دو گونه است:
 الف: روش قدیم- که از زمان مسروپ ماشوتس تا کنون با آن می‌نویسند (با برخی تغییرات).

ب- روش جدید که برای برطرف نمودن برخی مشکلات نگارشی روش قدیم، در چهارم مارس ۱۹۲۲ در ارمنستان رسمیت یافت. یادگیری و کاربرد زبان با این روش آسان تر است.
زبان ارمنی: زبان رسمی جمهوری ارمنستان است. این زبان یکی از شاخه‌های مستقل خانواده زبانهای هند و اروپائی بوده نسبتاً ارتباط نزدیکی با زبان‌های ایرانی، بالتیک-اسلاو و یونانی دارد. این زبان در شرایط تماس یک رشته از زبان‌های هند و اروپائی، قفقازی، هوری-اورارتوئی بوجود آمده تدریجاً پس از فروپاشی حکومت ارمنی اورارتو در سراسر ارمنستان رایج و حاکم گردید. این زبان در سیر تحولی خود به سه مرحله قابل تقسیم است:
 الف: ارمنی باستان (سده‌های ۵ تا ۹).
 ب: ارمنی میانه (سده‌های ۱۲-۱۶).
 ج: ارمنی نو (آشخارابار، از سده ۱۷ تا کنون).

توام با زبان نوشتاری باستان (گرابار) زبان گفتاری باستان نیز وجود داشته است. بخش هوری - اورارتویی زبان ارمنی ۱۰-۲۰ در صد از ذخیره لغات این زبان ها را که بر ما شناخته شده است تشکیل می دهد. نیز گروهی از لغات زبان های هتی (نیسی، لویی، هتی هیرو گلیف، زبان بلائی و غیره) و نیز آشوری، یونانی، تازی، ترکی، روسی و پارسی در این زبان وجود دارند که در اثر تماس های طولانی با این ملل حاصل شده اند. زبان فعلی ارمنی دارای دو شاخه کلی است: ارمنی شرقی که در ارمنستان و ایران بدان سخن گفته می شود و ارمنی غربی که بوسیله ارمنیان کشورها عربی، اروپائی و آمریکائی مورد استفاده قرار دارد. این دو شاخه دارای اختلاف هایی جزئی با یکدیگرند. زبان ارمنی دارای ساختار دستوری و ذخیره لغات بسیار غنی و مستحکم می باشد و در زمان حکومت سوسیالیستی تلاشهای جدی برای استاندارد کردن آن صورت گرفت، بگونه ای که این زبان از هر حیث با زبانهای مطرح و بین المللی چون انگلیسی، فرانسه، اسپانیائی، ایتالیائی قابل قیاس می باشد و ترجمه از آن زبان ها بگونه ای شیوا و سلیس و رسا صورت می گیرد.

ادبیات و علوم: در مورد ادبیات ارمنی پیش از اختراع خط اطلاعات چندانی در دست نیست. موسی خورنی قدیمی ترین شعر ارمنی را که گزارش زایش واهانگن (vahagn) یکی از خدایان دین باستانی بود در کتاب تاریخ خود آورده است. بر پایه اطلاعات موجود نخستین نویسنده ارمنی ورویر (veruyr) پسر آرتاشس پادشاه ارمنستان بود. پس از اختراع خط بویژه در تاریخنگاری، فلسفه و علوم طبیعی آثار پرارزشی توسط کوریون (سده ۵م.)، غازار پاربتسی، موسس خورناتسی (موسی خورنی - سده ۵م.)، یزینیک کوغباتسی، آگاتانگوس، یغیشه، پاستوسس یوزاند (سده ۵م.)، سبتوس (سده ۷م.)، غوند (ghevond - سده ۸م.)، داویت آناهغت (سده ۶م.)، موسس کاغانکاتوتسی و آتانیای شیراکاتسی نگارش یافت. پس از اینکه حکومت ارمنستان در سال ۱۰۴۵ فرو پاشید و ارمنیان توانستند در کناره دریای مدیترانه (کیلیکیه) صاحب دولت گردند این سرزمین تبدیل به مرکز فرهنگی آنان گردید. در سده های ۱۰-۱۴م. ادبیات ارمنی رنگ دنیوی بیشتری بخود گرفت. مدارس و دانشگاه هایی تأسیس گردید که دانشمندان بسیاری به جامعه تحویل دادند. از جمله دانشگاه آنی، سیس (سده ۱۱-۱۲) گلآزور (۱۳-۱۴) تاتو (۱۴-۱۵). گریگور ماگیستروس، هوانس ساراکاواگ، توما آرزرونی، مخیتار هراتسی، نرسس شنورهالی، مخیتار گوش، وارتان آیگکتسی و غیره از چهره های نامدار علوم و ادب بودند. در سده های ۱۰-۱۴ بویژه غزلسرای ترقی نمود. بزرگترین شاعر این سده ها گریگور ناركاتسی است که سوگنامه مشهور خود را نوشته است. داستان حماسی داویت ساسونی شایان توجه است. مگردیچ نقاش (سده ۱۵)، ناهاپت کوچاک (سده ۱۶)، ناقاش هوناتان (سده ۱۷) پا به عرصه ادبیات نهادند. در سده ۱۸ سایات نوا شاعر محبوب تمام مردم قفقاز بود. در سده نوزدهم رنسانس ادبی ارمنی بوقوع پیوست که از جمله پیشتازان این جنبش خاچاتور آبوویان و میکائیل نالباندیان بودند. در این سده کلاسیسیسم جای خود را به جریان های جدید ادبی یعنی به رومانسیسم و رئالیسم داد و موتیو میهن دوستانه در آثار راپائل پاتکانیان نمایان گردید. بزرگترین رمان نویس ارمنی رافی (هاکوپ ملیک هاکوبیان) آثار بسیاری پدید آورد. در ادبیات نمایشی گابریل سوندوکیان و در طنز نویسی هاکوب بارونیان را باید نام برد. شعرا و نویسندگان بزرگ دیگر عبارتند از: پرچ پروشیان (رمان نویس)، غازاروس آقاییان، شیروانزاده، هوانس هوانسیان، هوانس تومانیان، آوتیک ایسهاکیان در سده بیستم: واهان دریان، یغیشه چارنتس، گغام ساریان، بارویر سواک، هوانس شیراز و شعرا و نویسندگان متأخر: هاموساهیان، واهانگن داوتیان، سیلوا کابودیکیان، گورک امین، سرو خانزادیان، ویلیام سارویان (آمریکا) و در زبانشناسی هراچیا آجاریان، مانوک آبیان، گورک جاهوکیان، ادوارد آقاییان و غیره. در سده بیستم بویژه در دوره پس

از چنگ دوم جهانی علوم ترقی شایان توجهی داشت. تنها در سال ۱۹۷۰ تعداد یکصد مرکز پژوهشی در ارمنستان کار می کرد. از رشته های مهم علمی باید به آستر و فیزیک اشاره نمود. در اواخر دهه ۴۰ ویکتور هامبارسومیان و مارکاریان ستاره شناسان رصد خانه بیوراگان ارمنستان موفق به کشف منظومه های جدید در کهکشان شدند. ارمنیان از جمله ملت هایی هستند که دارای دایره المعارف بزرگ و انواع مختلف آن هستند. آکادمی علوم ارمنستان سهم بسزایی در پیشرفت ادبیات و علوم ایفا می نماید.

هنر: هنر ارمنی از هزاره سوم پیش از میلاد سرچشمه گرفته در شرایط اجتماعی و زیستی قوم های تشکیل دهنده ملت ارمن در طی تاریخ به تکامل خود رسیده است. آثاری از دوران اورارتو از جمله خرابه های پرستشگاه موساسیر نیز بسیاری آثار دیگر چون نگاره های گرمابه و پرستشگاه گارنی بجا مانده است. پس از پذیرش مسیحیت در ارمنستان هنر ویژه کلیسایی که خود آمیخته با ویژگی فرهنگی دوران پآگانسیم بود بر هنر ارمنی سایه افکند و تم های انجیلی موضوع اصلی هنر نقاشی و موسیقی، تذهیب، کنده کاری و معماری را تشکیل داد. اکثر کلیساهای قدیمی ارمنستان پرستشگاه های دوران پآگانسیم بودند که در اول سده چهارم میلادی به کلیسا تبدیل گردیدند. این ها به چند دسته تقسیم می شوند: ۱- معابد بازیلیک یک دالانی، ۲- معابد بازیلیک سه دالانی، ۳- معابدی به سبک وانک اجمیادزین و کلیسای جامع دوین. در اواخر سده ۶ و ۷م. سبک جدیدی از کلیساهای ارمنی که به «سبک هریسیمه» معروف است به اوج خود رسید. سپس بنای معابد چند دالانی نیز معمول شد. بر روی این بناها تزئینات کنده کاری شده دیده می شود. استادان ارمنی در کاربرد سنگ های متنوع شهرت داشتند. موسیقی کلیسایی توسط مسروپ ماشتوتس، ساهاک پارتو و جاثلیق کومیتاس (سده ۷) و دیگران با خلق انواع خاص شاراگان و کسورد پیشرفت چشمگیری داشت. تیگران بزرگ (۹۵-۵۵۵م.م) در پایتخت تیگراناکرد تئاتری بنا کرد و هنرمندان یونانی را برای اجرای نمایش به آنجا دعوت نمود. در دوران مسیحیت نمایش های مردمی رایج بود. مینیاتور در سده های میانه مهمترین بخش هنری را تشکیل می داد. متون خطی بسیاری توسط نقاشان تزئین گردید. از جمله آنان باید توروس روسلین، سارکیس پیژاک را یاد کرد. از سده ۱۳م. تمایل به جنبه های دنیوی در هنر ارمنی شدت گرفت. در سده های بعد نقاش هوناتان، بوگدان سالتانف در نقاشی سایات نوا در سرود و شعر مردمی شهرت بسزایی داشتند. در سده نوزدهم هنر تئاتر رواج تازه ای گرفت و نمایش هایی با تم های تاریخی و کمدی در مسکو، تفلیس، استامبول، ایروان و سایر جاها اجرا گردید. نام پتروس آدامیان در تئاتر، تیگران چوخاجیان، ماکار یکمالیان، کارامورزا بویژه کومیتاس موسیقیدان بزرگ در زمینه موسیقی، گورگ باشینجاقیان، وارنگس سورنیان، هاروتیون شامشینیان بویژه هوانس آیوازوسکی نقاش نابغه در تمهای دریایی که شهرت جهانی دارد، شایان ذکر است. هنر ارمنی پس از استقلال ارمنستان در سده بیستم رونق چشمگیری داشت. با ایجاد دانشگاه ها و آکادمی علوم، هنر ارمنی مورد پژوهش و کاربرد دقیق و منظم قرار گرفت. هنرمندان ارمنی در صحنه های جهانی ظاهر شدند همانند مارتیروس ساریان در نقاشی و آرام خاچاتوریان در موسیقی. بسیاری از بناهای قدیمی ترمیم و بازسازی شدند. سده بیستم بویژه از دهه ۶۰ به بعد را می توان دوران تجدید حیات ملی ارمنی در کلیه زمینه ها دانست.

ارمنیان ایران

مناسبات ارمنیان و ایرانیان تاریخی بس طولانی دارد. در زمان هخامنشیان در ایران ارمنیانی وجود داشتند که مشتمل بر سپاهیان گسیل شده از سوی شاهان ارمنستان برای پیوستن به سپاه ایران بودند. کوچ نشین ارمنی در ایران از سده های سوم و چهارم میلادی تشکیل گردید. یکی از مهمترین و بزرگترین کوچ ها در نیمه دوم سده چهارم میلادی در پی لشکرکشی شاپور دوم به ارمنستان صورت پذیرفت. بر پایه آگاهی های تاریخ نویسان ارمنی در سده های سوم و چهارم میلادی چند صد هزار نفر ارمنی به ایران کوچانده شدند. اکثر اینان پیش از پیروزی تازیان بر ایران در سده هفتم میلادی و چیرگی آنان بر این سرزمین همانند ایرانیان به کیش اسلام درآمدند. کوچ نشین های دیگری بویژه در استان های شمالی ایران در سده یازدهم در جریان تاخت و تازهای سلجوقیان و مغولان بوجود آمد. در سده های ۱۰-۱۴م. نواحی ارمنی نشین در تبریز، مراغه، رشت، سلطانیه و برخی دیگر شهرها وجود داشت. بزرگترین کوچ نشین ارمنی در سده ۱۷ بوجود آمد. در سال ۱۶۰۳م. شاه عباس اول به ارمنستان لشکر کشید تا ترکان عثمانی را از آن نواحی براند در همین سال حدود ۶۰ هزار نفر ارمنی از ارمنستان غربی کوچانده شدند. پس از تصرف ایروان و راندن ترکان در سال ۱۶۰۴ سپاه سنان پاشا بسوی آنان حرکت نمود لذا شاه با شتاب صدها هزار ساکنان ارمنی آن نواحی را به ایران کوچاند. بر پایه نوشته های شاهدان کوچ بزرگ و تاریخ نویسان همعصر پیش از صد هزار نفر در جریان کوچ هلاک شدند. یک سیاح اروپائی تعداد ارمنیان کوچانده را ۳۰۰ هزار نفر و برخی دیگر تعدادشان را بیشتر از این تا ۵۰۰ هزار یاد کرده اند. آنان در تبریز، گیلان(رشت)، انزلی)، مازنداران، از قزوین تا اصفهان اسکان یافتند اکثر آنان در نواحی نزدیک اصفهان(لنجان، آلتجان، فریدن، کروند)، بختیاری (چهارمحال) و سلطان آباد (اراک، الیگودرز، بربرود، گپله، کمره)، شیراز، همدان و غیره استقرار یافتند. بدستور شاه عباس در کنار زاینده رود شهر جلفای نو بنا گردید و ارمنیان پس از مدتی کوتاه این شهر را تبدیل به یکی از مراکز بازرگانی و فرهنگی ایران نمودند. در سال ۱۶۰۶ کلیسای وانک جلفا که مرکز اسقف نشین جنوب ایران و هندوستان تا اکنون است، بنا نهاده شد. بازرگانان ارمنی جلفا که به خوجا یا خواجه معروف بودند مناسبات تجاری با هند، اروپا و روسیه برقرار نمودند. جلفای نو در سده های ۱۷ و ۱۸ بصورت مرکز مذهبی ارمنیان و نیز مهمترین مرکز فرهنگی آنان در آمد لیکن در اثر لشکر کشی افغانان دچار رکود فرهنگی و اقتصادی گردید. گروهی از آنجا به کشورهای هند و غرب، قفقاز و روسیه کوچ کردند. در سال ۱۸۳۳ تبریز مرکز ارمنیان ساکن در استانهای شمالی ایران گردید. پس از اینکه تهران بعنوان پایتخت قاجار در آمد مهاجرت ارمنیان از شهرها و بویژه روستاها بسوی آنجا آغاز شد. ارمنیان در جریان انقلاب مشروطه همکاری نزدیک با سران جنبش داشتند. آنان حق برخورداری از نمایندگی در مجلس ایران را در زمان همین انقلاب در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۱ بدست آوردند، بر اساس آن ارمنیان جنوب و شمال ایران جمعا " دو نفر نماینده در مجلس داشتند که این امر هنوز هم برقرار است. پس از اینکه در سال ۱۹۲۰ حکومت ارمنستان شوروی برپا شد، این جمهوری تبدیل به مرکز ثقل تمام ارمنیان جهان گردید و بدین ترتیب آنان از گوشه و کنار جهان راه بازگشت بسوی میهن خود را در پیش گرفتند. مهاجران بسیاری از کشورهای عربی از طریق تبریز به ارمنستان باز گشتند. مهاجرت ارمنیان ایران از سال ۱۹۲۰ تا اواخر دهه ادامه یافت. پس از پایان جنگ جهانی دوم دولت ارمنستان تسهیلاتی برای بازگشت ارمنیان دیگر کشورها در نظر گرفت و تنها در سه ماه نخست سال ۱۹۴۶ تعداد ۲۰۷۰۰ نفر از ایران به ارمنستان رفتند. جمع این افراد در سال ۱۹۴۶ به ۲۵-۲۸ هزار نفر می رسید. سیر مهاجرت در سال ۱۹۴۷ بعلت مسائل و مشکلات فراوان متوقف گردید اما در دهه ۵۰ بطور ملایم ادامه یافت و در دهه

۶۰ میان دولت های ایران و شوروی توافق بعمل آمد که ایران با کلیه ارمنیانی که مایل به بازگشت به ارمنستان بودند همکاری لازم را به عمل آورد. پس از آن تا کنون این امر ادامه دارد بطوریکه جمع ارمنیان بازگشتی در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۷۲ به ۶۵ هزار نفر می رسد. مهاجرت پس از سال ۱۹۷۹ روند جدید تری بخود گرفت.

۲- ترکان عثمانی کیستند؟

سرآغاز فرآیند تشکیل ملت ترک را مسلماً باید اواخر سده یازدهم میلادی دانست، یعنی از زمانی که مهاجرت گروهی اقوام ترک عمدتاً اغوزها و ترکمان ها به سمت آسیای صغیر آغاز گردید. در نتیجه تشکیل ملت ترک در حد فاصل قرن های ۱۵-۱۲م. صورت پذیرفته است. بدین ترتیب پایان فرآیند تشکیل ملت ترک را باید سده ۱۵م. دانست.

اقوام ترک پس از مهاجرت به سرزمین جدید برخی از ملل محلی را در خود مستحیل و یا آنان را نابود ساختند و عناصر فرهنگی آنان را تصاحب نمودند. در سده ۱۳م. اقوام ترک برای پرهیز از برخورد با مغولان از سوی آسیای میانه و ایران به آناتولی جابجا شدند. ترکها در سده ۱۵م. آسیای صغیر را تصرف و اقوام ترک را متحد ساختند و بخشی از اقوام محلی ارمنی، یونانی و عرب را نابود ساختند. در سده های ۱۶-۱۵م. ترکها دارای نام ملی واحدی نبودند به همین علت به خاطر مذهب ایشان به مسلمانان اشتها داشتند.

در دهه ۳۰ سده ۱۹م. غیر از ۷ میلیون ترک ساکن در ترکیه بیش از ۲ میلیون نفر ارمنی، ۲ میلیون کرد و ۱-۱/۵ میلیون یونانی، همچنین آجارها، یهودیان، آلبانیایی ها، بستیایی ها، کروات ها (که ۴۵٪ جمعیت را تشکیل می دادند) در آن سرزمین می زیستند. تا امروز نیز فرآیند استحاله ملی ارمنیان (از جمله ارمنیان ساکن هاشمن) ادامه دارد. ملت ترک در آغاز سده ۲۰م. بصورت نهایی شکل یافت. در تمام طول فرآیند یاد شده زبان و فرهنگ آنان از عناصر زبانی و فرهنگی یونانیان، ارمنیان، گرجیان و ملل بالکان تأثیر پذیرفته است. نابودی ملل دیگر لازمه تشکیل ملت ترک در ترکیه بود.

۳- نقش ارمنیان در ترکیه عثمانی

پس از تشکیل حکومت عثمانی، ارمنیان نیز مانند ملل دیگر تحت یوغ آن قرار گرفته و لذا نقش خاص خود را در رونق و پیشرفت امپراتوری ترک ایفا نمودند.

مقامات عالی حکومت عثمانی همانا ارمنیان بودند. از آنان می توان اینان را نام برد: امیر سغوس، امیر شنورک (که در سال ۱۷۲۰ چندین مدرسه ارمنی در استامبول تأسیس کردند). امیر آبراهام (در ۱۸۲۴ اولین چاپخانه را در ترکیه تأسیس کرد). هوانس دوزیان و مگردیچ جزایریان (گمرک کلا" به آنان تعلق داشت).

از سال ۱۷۹۵ به بعد انبار اسلحه و مهمات نسل اندر نسل به خانواده تاتیان تعلق داشت. چاپ اسکناس به خانواده دوزیان و (هاروتیون) بزچیان مربوط است. هنگامی که در سال ۱۸۲۸ سپاه روسیه به استامبول نزدیک می شد و ۱۵ میلیون غرامت می خواست، سلطان محمود بناچار از امیر بزچیان کمک خواست زیرا دولت قادر به پرداخت آن مبلغ نبود. سلطان ترک به مناسبت فوت این شخص دچار اندوه فراوان گردیده با لباس عزا در مراسم تشیع جنازه شرکت نمود.

هوانس تاتیان از سوی باب عالی به عنوان رئیس کارخانه های کاغذ سازی اطلس بافی و مواد منفجره منصوب شد و از سال ۱۸۵۶ مدیر کارخانه های چرم سازی، پارچه بافی و ذوب فلزات نیز گردید.

از قدیم فعالیت های ساختمانی و معماری به خانواده های **سارواریان** و **بالیان** محول شده بود. با این حال دولت ترک مایل به محول کردن همه امور به ارمنیان نبود، لذا سرپرستان ترک برای آنان تعیین می کرد بویژه در ارتش و وزارت امور داخله.

ریاست خزانه دولتی همیشه به ارمنیان تعلق داشت : **هاکوپ کازاغیان**، **میکایل پرتوگالیان** و **هوانس سکز پاشا** وزرای خزانه داری بودند. **گریگور افندی** وزیر پست، **تلگراف** و شهرسازی بود (۱۸۶۴م). ریاست دانشگاه های پزشکی و غیره با ارمنیان بود (برای نمونه **نیکوغبوس روسینیان**، **آندرانیک خاندومیان**، **استپان اسلانیان**، **ترزبان**، **مهران گاراگاش**، **هاکوپ بویاجیان**). **کاراپت خدریان** و **گویومچیان** مؤسسان فن حسابداری در ترکیه بودند. بازرگانان ارمنی جلفا تجارت را در آن کشور پایه گذاری کردند. **هاروتیون پاشا تاتیان** برای مدت طولانی سرپرست وزارت خارجه بود.

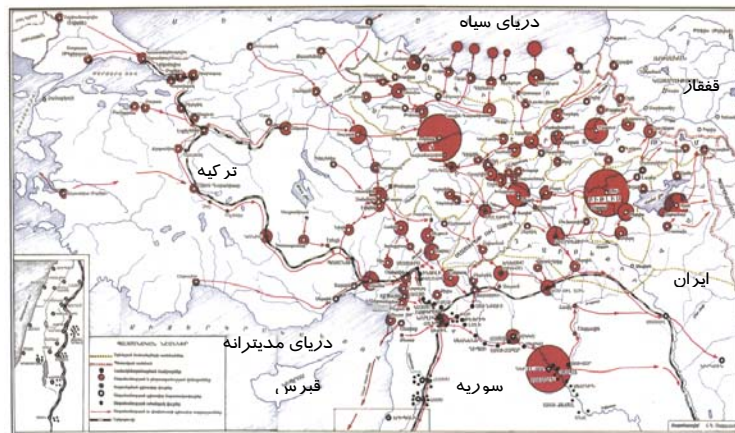
صنایع و تجارت عمدتاً در دست ارمنیان بود مثلاً "بازار زرگری استامبول کلا" به ارمنیان تعلق داشت. واردات کشور به عهده یونانیان اما انحصار صادرات در اختیار ارمنیان بود. در زمینه فرهنگ و هنر این چهره های سرشناس ارمنی بودند که در زمینه های مختلف می درخشیدند و برای یاد کردن آنان به حوصله فراوان نیاز داریم.

با این حال ترکها به عناصر ارمنی اطمینان نداشتند، مثلاً وقتی که در سال ۱۸۲۶ ارمنیان برای تبریک مشروطیت با بیست کشتی عازم استامبول نزد علی پاشا استاندار بودند. شخص اخیر به نزدیکانش چنین گفت: "من از ارمنیان می ترسم، آنان مخفیانه کار می کنند و روابط نزدیکی با توده های مردم دارند و این امر را بعید نمی دانم که آنان با عناصر ترک متحد شده بر علیه حکومت عثمانی قیام کنند".

۴- شمه ای از تاریخ کشتار ارمنیان

کشتار ارمنیان از سده ۱۵م. آغاز می شود، لیکن هنگامی که مبارزات آزادیبخش ارمنی بصورت متشکل در آمد کشتار ارمنیان در نیمه دوم سده ۱۹ وارد مرحله نوینی از نظر سازماندهی و برنامه از پیش طراحی شده گردید.

مراکز قتل عام در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۲۲



فهرست زیر بطور خلاصه تعداد قربانیان ارمنی را که از سال ۱۸۶۰ تا ۱۹۲۲ توسط ترکها قتل عام شده اند، نشان می دهد:

۱۸۶۰	لبنان	۱۲۰۰۰ نفر
۱۸۷۶	بلغارستان	۱۴۰۰۰ نفر
۱۸۷۷	بایزید	۱۴۰۰ نفر
۱۸۷۹	آلاشگرد	۱۲۵۰ نفر
۱۸۸۱	اسکندریه	۲۰۰۰ نفر
۱۸۹۲	مناطق داخلی ترکیه	۳،۵۰۰ نفر
۱۸۹۴	ساسون	۱۲۰۰۰ نفر
۱۸۹۵	ارمنستان غربی	۳۰۰،۰۰۰ نفر
۱۸۹۶	قسطنطنیه	۹،۵۷۰ نفر
۱۸۹۶	وان	۸۰۰۰ نفر
۱۹۰۳	مقدونیه	۱۴۶۶۷ نفر
۱۹۰۴	ساسون	۵۶۴۰ نفر
۱۹۰۹	کیلیکیه	۳۰،۰۰۰ نفر
۱۹۱۵	ترکیه و ارمنستان غربی	۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر
۱۹۱۸	قارص، آردهان	۵۰۰۰۰ نفر
۱۹۱۸	باکو و حومه	۳۰۰۰۰ نفر
۱۹۱۹	کیلیکیه و اطراف	۶۰۰۰۰ نفر
۱۹۲۱	هاچن	۲۰۰۰۰ نفر

۱۹۲۲ از میر ۲۱۰۰۰۰ نفر
 جمع (۱۹۲۲-۱۸۶۰) ۲۲۸۴۰۲۷ نفر
 (منبع New York Times، قتل و کشتارهای جهان صفحه ۳۹۶).

(منبع New York Times، قتل و کشتارهای جهان صفحه ۳۹۶).

۵- قتل عام بزرگ

طرح قتل عام و نابودی کامل ملت ارمن توسط ترکها در اواخر سده ۱۹م. تهیه شده بود لیکن اجرای گسترده آن توسط حکومت ترکان جوان انجام گرفت.

از پائیز ۱۹۱۴ و اوایل سال ۱۹۱۵ مقامات ترک شروع به کشتار ارمنیان فرا خوانده شده به ارتش کردند و مردان ۲۰-۱۵ و ۶۰-۴۵ ساله که به بهانه ساختن جاده به ارتش فرا خوانده شده بودند بعنوان طعمه این طرح شوم بی نصیب نماندند. حکومت حزبی (اتحاد و ترقی) با استفاده از شرایط جنگی در اوایل سال ۱۹۱۵ در جلسه مخفی کمیته مرکزی حزب روش های مشخص نابودی ارمنیان ساکن در ارمنستان غربی را تدوین کرد.

در جلسه مخفی به ریاست طلعت پاشا که در آن انور، ناظم و بهاءالدین شاکر و دیگران شرکت داشتند، ناظم بیگ بعنوان منشی کمیته اعلام کرد که نباید به کشتارهای موضعی و مقطعی مانند کشتار آدانا قناعت کرد: "ملت ارمن باید کالا" ریشه کن شود، حتی یک نفر ارمنی در سرزمین ما باقی نماند و نام ارمنی باید فراموش شود، اکنون در جنگ بسر می بریم و فرصتی بهتر از این نمی تواند باشد، اعتراض دولت های بزرگ و اعتراض مطبوعات نمی تواند کارساز باشد، این عملیات باید عملیات نابودی کلی باشد."

بدین سان روز ۱۵ آوریل ۱۹۱۵، مقامات محلی یک فرمان مخفی به امضاء طلعت، انور و ناظم به اجرا در آوردند که در آن به کشتار کامل ارمنیان و کوچاندن آنان به صحرای عربستان با استفاده از فرصت شرایط جنگی اشاره شده بود.

جلادان ترک نخست به تصفیه حساب با اندیشمندان و چهره های اجتماعی- فرهنگی ارمنی پرداختند (از جمله نمایندگان ارمنی مجلس). تنها شب ۲۴



آوریل ۱۹۱۵ قوای شهرانی ۲۳۵ نفر از اندیشمندان ارمنی را دستگیر کردند. بزودی این رقم به ۸۰۰ نفر رسید، اینان به سوی اعماق خاک آناتولی کوچ داده شده در مسیر تبعید به نحوی وحشیانه به قتل رسیدند، از جمله آنان می توان گریگور زهراب، دانیل واروژان، سیامانتو، روبن زارداریان، روبن سواک، هوانس تلکاتینتسی، هرانس، یروخان و بسیاری افراد دیگر را نام برد. کومیتاس موسیقیدان شهیر و پر نبوغ نیز جزو آنان بود لیکن به نحو معجزه آسایی نجات یافت اما با دیدن این فجایع مشاعر خود را از دست داد.

دولت ترکان جوان روز ۱۵ ژوئن ۱۹۱۵، ۲۰ نفر از رهبران حزب هنجاک را (پارامازد، دکتر پنه، وانیک، آ. آچکپاسیان و غیره) در میدان سلطان بایزید شهر استامبول

به دار کشید.

طلعت پاشا طی یک فرمان مخفی به مقامات ولایتی از آنان می‌خواهد تا همه ارمنیان ساکن ارمنستان غربی و کیلیکیه نابود شوند. در این فرمان آمده است: "دولت همه مسئولیت‌ها را قبول می‌کند و دستور می‌دهد حتی به نوزادان گهواره نیز رحم نشود".

مقامات محلی دستورهای طلعت را با دقت کامل اجرا می‌کردند. در ماههای آوریل و مه ۱۹۱۵، ارمنیان ساکن کیلیکیه، در ماههای ژوئن-ژوئیه ارمنیان کارین (ارزروم)، ترابوزان، وان، بیتلیس، خاربرد و سیواس، در اوت و سپتامبر، ارمنیان آنکارا، آدابازار، بروسا، جبل موسی، اورفا و عینتاب از خانه و کاشانه خود تبعید شدند.

تبعید ارمنیان به بیابان گرم و سوزان نزدیک دیر الزور (در-زور) و کشتار آنها از ۵۰ منطقه ترکیه صورت گرفت.

پیش از تبعید مردان را از خانواده‌هایشان جدا کرده و بطور جداگانه به قتل می‌رساندند. زنان و دختران زیبا را بزور از خانواده جدا و آنان را به حرمسراهای ترک منتقل می‌کردند. آنگاه توده‌های خسته و گرسنه مردم را از کوهستان‌های آناتولی و بیابان‌ها و زیر آفتاب سوزان به سوی بیابان‌های بین‌النهرین می‌کوچاندند. هزاران نفر در مسیر از گرسنگی و تشنگی و ناتوانی تلف می‌شدند. آنان که توان ادامه راه را نداشتند بلافاصله با شمشیر و دشنه به قتل می‌رسیدند.

تعداد کمی از این تبعیدیان به مقصد می‌رسیدند. مثلاً از ۱۸،۰۰۰ نفر تبعیدی سباستیا و خاربرد تنها ۱۵۰ زن و بچه به تبعیدگاه رسیدند. از ۴۰،۰۰۰ نفر ارمنی تبعیدی از مسیر حلب و راس‌العین و مرسین تنها ۵۰۰۰ نفر زنده ماندند. از ۲۱۵،۰۰۰ ارمنی ولایت کارین فقط ۱۲۰ نفر زنده ماندند.



قتل عام ارمنیان نه تنها در ولایات ارمنی نشین که در نواحی ترکیه و سایر مناطق نیز صورت می‌گرفت. تنها در دو شهر استامبول و ازمیر ارمنیان را کاملاً قلع و قمع نکردند.

بدین سان در طول سالهای ۱۸-۱۹۱۵ بیش از دو میلیون نفر از ارمنیان از خانه و کاشانه خود تبعید شدند که از این میان یک و نیم میلیون نفر در بیابان‌های بین‌النهرین کشته شدند و بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر که عمدتاً زن و کودک بودند قهراً ترک مسلمان شدند.

ترکان جوان بصورت ددمنشانه مسئله ارمنی را "حل" کردند. طلعت پاشای خون آشام پس از پایان قتل عام رسماً اعلام نمود که دیگر مسئله ارمنی وجود ندارد، زیرا دیگر هیچ ارمنی وجود ندارد.

در سال ۱۹۱۶ مذاکراتی در لندن روی داد که یوغوس نوپار پاشا رئیس هیئت ارمنی پیشنهاد کرد از میان نجات یافتگان قتل عام یک لژیون شرقی ارمنی ایجاد گردد، این پیشنهاد مورد پسند فرانسه (ژرژ پیکو) و انگلیس (مایکل سایکس) قرار گرفت.

دولت فرانسه روز ۲۸ نوامبر ۱۹۱۶ تصمیم گرفت این لژیون را تشکیل دهد. تعداد کل سربازان این لژیون در ماه مه ۱۹۱۸ بالغ بر ۵۶۶۲ نفر بود که از این میان ۴۰۰ نفر اهل سوریه و بقیه ارمنی بودند. آنها برای اولین بار روز ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۸ در جبهه فلسطین در جنگ شرکت کردند.

رهبران احزاب هنجاک، رامکاو و دانشناک که به نطق های دروغین شخصیت های دولتی فرانسه امیدوار بودند، روز سوم اوت ۱۹۲۰ در حوالی آدانا هر یک جداگانه "جمهوری بین النهرین" اعلام کردند، و ۴ اوت همان سال شورای ملی به ریاست میهران دامادیان "جمهوری خود مختار ارمنستان تحت حمایت فرانسه" اعلام نمود. دو جمهوری اول در روز اول اما سومی روز سوم توسط یگان های ارتش فرانسه برچیده شدند.

در شرایط رقابت انگلیس و فرانسه، کشور اخیر به ترکیه متمایل شد. روز ۲۰ اکتبر ۱۹۲۱ بین فرانسه و ترکیه کمال آتاترک در آنکارا قراردادی منعقد شد که بر اساس آن فرانسه ارتش خود را از کیلیکیه فرا خواند. بنابراین آنچه که ترکان جوان در روز های قتل عام موفق به اجرا نشدند، پنج سال بعد به دست کمالیست ها انجام گردید. این دومین قتل عام ۳۰۰،۳۰۰ نفر قربانی از ملت ارمن گرفت که از اهالی کیلیکیه بودند. این بار قتل عام با مجوز دولت های بزرگ انجام گرفت و کیلیکیه نیز خالی از سکنه ارمنی گردید.

۶- انگیزه های قتل عام و مسئولین آن

علل و انگیزه های اصلی قتل عام ارمنیان را می توان بطور خلاصه چنین مطرح کرد:

- ۱- استحاله و انهدام ملت ارمنی بخش جدایی ناپذیر فرآیند تشکیل ملت ترک در ترکیه بود.
- ۲- «مسئله ارمنی» در قالب «مسئله شرق» و وجود ارمنیان در قلمرو حکومت ترکها بهانه ای برای دولت های امپریالیستی اروپایی بود تا توسط آن بتوانند در امور حکومت ترک دخالت کنند.
- ۳- دخالت محافل فراماسونری در طراحی قتل عام ارمنیان. با انهدام ملت ارمنی رقیب شماره یک صهیونیست های ترکیه از میان برداشته می شد. باید توجه داشت که شخصیت های عثمانی و گروه اتحاد و ترقی و حکومت بعدی کمالی یا اصلا "یهودی بودند و یا به تشکیلات فراماسونری تعلق داشتند. برای نمونه طلعت پاشا، کمال آتاترک، پرنس احمد کمال الدین افندی و نورالدین افندی و فرزندان سلطان عبدالمجید) مصطفی رشید پاشا، وزیر اعظم و غیره.
- ۴- ارمنیان و جنبش آزادیبخش ارمن مانع بزرگی برای اجرای طرحهای توسعه طلبانه پان ترکیستها بودند که محرکان اصلی گروه اخیر دولتهای آلمان، انگلیس و فرانسه (در برهه های مختلف زمانی) بودند. جنبش واقعی آزادیبخش ارمنیان تمایلات روسی داشت و این امر در تضاد با منافع غرب بود.
- ۵- استقلال کشورهای سابق تابع امپراتوری عثمانی (بلغارستان، یونان و بالکان) باعث شد این کشور توجه خود را به مرزهای شرقی معطوف کرده جنبش های ارمنی را سرکوب نماید.
- ۶- عملیات تروریستی و ماجراجویانه و غیردوراندیش برخی از گروه ها.

مسئولین اصلی کشتارهای ارمنیان عبارتند از:

- ۱- آلمان، اطیش - مجارستان، انگلستان، فرانسه و روسیه تزاری.
 - ۲- سازمان های مخفی جهانی که دولت های امپریالیستی در چنگ آنها قرار داشتند.
 - ۳- حکومت های عثمانی، اتحاد و ترقی و کمال آتاترک.
 - ۴- گروه های مزدور ساکن شرق و مرکز ترکیه.
- روز ۸ ماه مارس ۱۹۱۹ با فرمان مخصوص سلطان محمد ششم وحید الدین (۲۲-۱۹۱۸) رهبران حزب اتحاد و ترقی و وزرای آنان به دادگاه فوق العاده نظامی استتامبول تحویل شدند. در جریان محاکمات ده نفر در غیاب و ۲۰ نفر شخصیت حزبی و حکومتی بطور علنی محاکمه شدند.



شکلات، ۱۹۱۷-۱۸



شکلات، ۱۹۱۷-۱۸

افراد زیر غیابی محاکمه شدند:

- ۱- طلعت پاشا وزیر داخله، وزیر اعظم (۱۸-۱۹۱۷).
- ۲- انور پاشا، وزیر جنگ.
- ۳- جمال پاشا، وزیر امور دریایی.
- ۴- بهاءالدین شاکر بیگ، عضو کمیته مرکزی حزب اتحاد و ترقی و رئیس "تشکیلات مخصوصه".
- ۵- دکتر ناظم بیگ، عضو کمیته مرکزی حزب و وزیر آموزش عمومی.
- ۶- جاوید بیگ وزیر مالیه.
- ۷- سلیمان البستانی بیگ، وزیر تجارت و کشاورزی (۱۷-۱۹۱۵).
- ۸- مصطفی شرف بیگ، وزیر تجارت و کشاورزی.
- ۹- اسکان افندی، وزیر پست و تلگراف (۱۷-۱۹۱۴).
- ۱۰- دکتر روزه ای افندی، عضو کمیته مرکزی حزب.
- ۱۱- عزیز افندی وزیر امنیت اجتماعی.

۷- شمه ای از تاریخ انتقامجویی ارمنیان

سازمان دهندگان قتل عام ارمنیان از خشم انتقام فرزندان قوم کشتار شده مصون نماندند و افراد زیر به ترتیب هدف گلوله های ارمنیان قرار گرفتند:

- ۱- انور پاشا، ۱۹۲۲، بدست آقابگف ارمنی در تاشکند کشته شد.
- ۲- جمال پاشا، ۱۹۲۲، ترور بدست پتروس بغوسیان و آرتاشس گنوگیان در تغلیس.
- ۳- خان خویسکی، نخست وزیر آذربایجان، ۱۹۲۰، بدست آرام یرکانیان.
- ۴- عباس بگف، ۱۹۲۰، بدست یرکانیان.
- ۵- طلعت پاشا، ۲۱ مارس ۱۹۲۱، برلین، بدست سوغومون تهلریان.
- ۶- سعید حلیم پاشا، ۶ دسامبر ۱۹۲۱، رم، بدست آرشاویر شیراکیان.
- ۷- بهاءالدین شاکر بیگ، ۱۷ آوریل ۱۹۲۲، برلین، بدست آرام یرکانیان.
- ۸- عظیم پاشا، ۱۷ آوریل ۱۹۲۲، برلین، آرشاویر یرکانیان.
- ۹- بهبودخان جوانشیر، وزیر داخله آذربایجان، ۱۹ ژوئیه ۱۹۳۱، استامبول، بدست میساک ترلاکیان.

۸- روند شناسایی رسمی نژادکشی ارمنیان از سوی کشورهای جهان

قتل عام ارمنیان در مجامع بین المللی انعکاس خود را یافته است. در زیر به اختصار روند شناسایی رسمی نژادکشی ارمنیان از سوی کشورهای جهان و مجامع بین المللی می پردازیم:

الف: واکنشهای اولیه

- بیانیه مشترک دولتهای فرانسه، انگلیس و روسیه مورخ ۲۴ ماه مه ۱۹۱۵ در باره وقوع کشتارهای اواسط ماه آوریل توسط دولت عثمانی و مسئول بودن همه مقامات دولتی در این وقایع.
- بیانیه سنای آمریکا مورخ ۹ فوریه ۱۹۱۵ برای همدردی و کمک به صدها هزار ارمنی بی خانمان، بی غذا و پوشاک.
- ۱۱ مه ۱۹۲۰ سنای آمریکا با به رسمیت شناختن استقلال ارمنستان آن را بالا تر از کشتارهای توده ای ارمنیان قلمداد نمود.
- کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل ۲۸ مه ۱۹۴۸
- کمیسیون فرعی ضد آپارتاید و حمایت از حقوق اقلیت های ملی سازمان ملل، ۲ ژوئیه ۱۹۸۵.

- بیانیه شورای جهانی کلیساها ۱۹۸۳
- بیانیه شورای اروپا، ۲۴ آوریل ۱۹۹۸

ب - شناسایی رسمی:

- اروگوئه، ۲۰ آوریل ۱۹۶۵
- قبرس ۲۹ آوریل ۱۹۸۲
- روسیه ۱۴ آوریل ۱۹۹۵
- یونان ۲۵ آوریل ۱۹۹۶
- لبنان ۱۱ مه ۲۰۰۰

- ولز جنوبی استرالیا ۱۷ آوریل ۱۹۹۷
- بلژیک ماه مارس ۱۹۹۸
- آرژانتین، سنا ۵ مه ۱۹۹۳، مجلس قانونگذاری ۱۶ آوریل ۱۹۹۸
- پارلمان در تبعید کردستان در بروکسل
- فرانسه ۸ نوامبر ۲۰۰۰
- ایتالیا ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰
- کانادا ۲۱ آوریل ۲۰۰۴
- ورمونت ۳۷-مین ایالت آمریکا بود که در تاریخ ۳۱ مه ۲۰۰۴ قتل عام ارمنیان را به رسمیت شناخت.
- سوییس ۱۶ دسامبر ۲۰۰۳
- اسلواکی ۳۰ نوامبر ۲۰۰۴
- لهستان ۱۹ آوریل ۲۰۰۵

۹- سخن پایان

بدین سان ارمنیان ساکن در ارمنستان غربی تحت اشغال ددمنشانه ترکها، موجودیت فیزیکی، مال و جان و دارایی، ارزشهای ملی و وطن خود را از دست دادند، ۶۶ شهر و ۲۵۰۰ روستای ارمنی نشین به دست ترکها ویران شد. بیش از ۲۰۰۰ کلیسا و وانک، ۱۵۰۰ مدرسه و آموزشگاه با خاک یکسان شدند. خسارات وارد شده تنها به ارمنیان ساکن امپراتوری ترک با توجه به بورس سال ۱۹۱۹ بالغ بر ۱۵ میلیارد فرانک بود.

پس از پایان جنگ جهانی اول، افکار عمومی جهان به اعتراض با اعمال ددمنشانه عنصر ترک پرداخت. از جمله ژاک دومورگان باستانشناس و تاریخدان فرانسوی، ژوزف مارکوارت ارمنی شناس، یوهان لپسیوس، آرمین وگنر، آنتوان میه، فردریک ماکلر، آرنولد توین بی، والر بروسف، هنری مرگنتاو و دیگران.

امروزه کشورهای جهان یک به یک در تلاش برای شناسایی رسمی وقوع قتل عام ارمنیان بر آمده اند. لیک هر برخوردی هم با این فاجعه تاریخی صورت گیرد نمی تواند ضربات مهلکی که به ارمنیان وارد شده است جبران کند و قتل عام ارمنیان تا پایان جهان در درجه اول به عنوان ننگی بزرگ برای ترکها و بطور کلی تاریخ جهانی باقی خواهد ماند.